

اتخاذ رویکردی نوین برای طرح‌های توسعه شهری "برنامه ریزی طراحی محور"

دکتر مصطفی عباس زادگان*^۱، حامده رضوی^۲

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
^۲ کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۵/۲۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۹/۴)

چکیده:

رویکرد برنامه ریزی طراحی محور به عنوان رویکردی نوین در تهیه طرح‌های توسعه شهری در آستانه قرن بیست و یک وارد ادبیات شهرسازی دنیا گردیده است. این رویکرد سعی در برقراری تعامل میان نظام‌های برنامه ریزی شهری و طراحی شهری دارد و الگوی ارتباط خطی و منفک میان این دو را نقد می‌کند. مقاله حاضر پس از مرور ادبیات شهرسازی که عمدتاً مبتنی بر جستجوی خاستگاه و چرایی پدید آمدن این رویکرد می‌باشد، به بسط و تبیین اصول و ویژگی‌های این رویکرد می‌پردازد. برنامه ریزی طراحی محور به عنوان رویکردی که به شهر به عنوان محیطی یکپارچه می‌نگرد، می‌تواند در ارتقا کیفیت محیط شهری از طریق تغییر در روند تهیه طرح‌های توسعه شهری موثر باشد. از طرفی نظام نوین برنامه ریزی انگلستان به عنوان نظامی که این دیدگاه در تحول آن ایفای نقش کرده است یکی از موضوعات مقاله حاضر می‌باشد. تاثیر این رویکرد در نظام برنامه ریزی شهری انگلستان تابدانجا انجامید که توجه به پارامترهای کیفیت محیط شهری در طرح‌های توسعه شهری نهادینه گشت. این تاثیر در تمامی سطوح طرح‌های توسعه شهری می‌تواند وجود داشته باشد و تاثیر آن از کلان تا خرد پررنگ تر شود. در نهایت این مقاله توصیه‌هایی برای ورود این رویکرد به نظام برنامه ریزی ایران را شامل می‌شود.

واژه‌های کلیدی:

رویکرد برنامه ریزی طراحی محور، سیاست طراحی، اسناد تکمیلی برنامه ریزی، طراحی شهری سیاست گزار، کیفیت محیط شهری.

مقدمه

ملاحظات طراحانه به موازات ملاحظات برنامه ریزانه مورد توجه قرار گیرند. توجه به ملاحظات طراحانه در مقیاس کلان، همچنین توجه به ملاحظات برنامه ریزانه در مقیاس خرد باعث می شوند اهداف طراحانه و برنامه ریزانه در یک راستا هماهنگ شوند و اقدامات طراحی شهری در راستای تحقق بخشیدن به این اهداف عمل کنند. مسائل فوق سبب شد تا رویکرد برنامه ریزی طراحی محور به عنوان رویکردی میانی که شامل ملاحظات برنامه ریزانه و طراحانه شهری است، مطرح شود.

نظام طرح های توسعه شهری در ایران با دو رویکرد طراحانه و برنامه ریزانه ارائه می شود. به لحاظ طرح ریزی، برای شهر های کشور، ابتدا پروژه های برنامه ریزی و پس از آن به ندرت پروژه های طراحی شهری تهیه می شوند. به این ترتیب بسیاری از تصمیمات طراحانه در فرایند برنامه ریزی اتخاذ می شوند و پروژه های طراحی شهری را عملاً به سوی پروژه هایی سوق می دهند که دیدی صرفاً کالبدی و کمی دارند. این مساله در نظام شهرسازی کشور سبب شد تا توجه به سمت رویکردی معطوف شود که فرآیندی رفت و برگشتی بین طراحی شهری و برنامه ریزی شهری برقرار شود یا به عبارتی در تمام سطوح سلسله مراتب طرح های توسعه از مقیاس ملی تا محلی،

۱- نظریات تاثیر گذار بر طرح رویکردی نوین

جدول ۱ - جریان ها و نظریات تاثیر گذار بر ارتباط برنامه ریزی و طراحی شهری

عوامل تاثیر گذار	محورهای اصلی
منشور آتن	توجه به کیفیت محیط شهری، ارزشهای اجتماعی محله و ارتباط با طبیعت (مدنی پور، ۱۳۷۹)
باغشهرها	توجه به کیفیت محیط شهری و لزوم نزدیکی شهر و روستا و حفظ عناصر طبیعی و ارزشهای زیبا شناختی (لستروفسکی، ۱۳۷۱)
واحد همسایگی	توجه به تامین خدمات در مناطق مسکونی و چگونگی توزیع واحدهای خدماتی انزاری مفید برای برنامه ریزی کلبندی و نه چندان مفید برای طراحی شهری و کیفیت محیط شهری (Moughtin, 1999)
شهرهای جدید	هدف قرار دادن کیفیت محیط در کنار کیفیت کارکردی
پست مدرنیسم	توجه به ارزش های محلی و کیفیت زیست در فضای شهری (Tibbalds, 1992) قبلیس هلی کوچک و مکان های مشخص و معنا و سرزندگی این مکان ها و نیز نظر به فرهنگ عمومی و مسائل محلی (مدنی پور، ۱۳۷۹)
نو شهر گرایی	توجه به ایجاد مرکز، دسترسی پیاده به امکانات شهری، سرزندگی فرمی و عملکردی، اختلاط کاربری ها، تدلوم فضاهای شهری، نظام حکمرانی محلی (Steuterville, 2004)
توسعه پایدار	کاهش مصرف منابع طبیعی، سازگاری با طبیعت، کاهش آلودگی ها، حفظ عدالت، فشرده گی یافت های شهری (Echenique, 2001)، مراکز مشخص و منسجم شهری، اولویت حرکت دوجرخه و پیاده (Thomas, 2003)

ماخذ: رضوی، ۱۳۸۵

در نیمه اول قرن ۲۰، بستری برای شکل گیری مجموعه ای از نظرات، اقدامات و گرایشات در حوزه شهرسازی اروپا و آمریکا به وجود آمد که از زوایای گوناگون به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیباشناختی و روانشناسی توسعه و عمران شهرها معطوف بوده و کم و بیش در تغییر و اصلاح روند های جاری در زمان خود و بعد از آن تاثیر گذارند. در میان انبوه این نظریات، برخی از آنها تاثیرات بیشتری بر موضوعات مربوط به طراحی شهری و ابعاد کیفی توسعه در طرح های شهری به خصوص طرح های جامع شهری بجای نهاده اند. این نظرات و اقدامات عبارتند از: منشور آتن، باغ شهرها، واحد همسایگی، شهرهای جدید. علاوه بر نظریات فوق جریاناتی نیز بر طرح و شکل گیری رویکردی نوین در شهرسازی موثر بوده اند که عبارتند از: پست مدرنیسم، نوشهرگرایی و توسعه پایدار.

که بنا به نظر کالینگ ورث (Culling, w. ۱۹۹۷) در طی سه مرحله رخ داده است: "در طول دهه ۱۹۶۰، موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخگویی به مسائل و پروژه های مشخصی مطرح گردید. در طول دهه ۱۹۷۰، اهداف طراحی شهری در ضمن

با توجه به سابقه حرکت های شهرسازی که در بالا ذکر شد یکی از گرایشهای شهرسازی جدید در غرب تدوین فرایندی است که برنامه ریزی شهری و طراحی شهری را در یکدیگر ادغام و فرایندی یگانه و هماهنگ را مطرح می کند. به نظر برخی کارشناسان این رویکرد جدید حاصل یک تحول تدریجی است

شهرنشینی در غرب، مجموعه‌ای از نظریه‌ها و راه‌حل‌ها برای نظم‌بخشی و ساماندهی توسعه شهری در کشورهای مختلف آمریکا و اروپا مطرح گردید که در نهایت به پیدایش دانش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در دهه سوم قرن ۲۰ منجر شد. در این سال‌ها سیستم برنامه‌ریزی شهری توسعه را هرگونه مصرف زمین در نظر می‌گیرد به طوری که منافع کلی ناشی از توسعه را به حداکثر رسانده و تدارکات لازم برای برنامه‌ریزی در نظر گیرد. در شرایط حاکم بر آن دوران برنامه‌ریزی شهر به سمت برنامه‌ریزی کالبدی‌گرایش پیدا کرد. در چارچوب برنامه‌ریزی شهری در قالب چارچوب طرح جامع سنتی قاعدتا همه توجه طرح‌ها به ابعاد کاربری زمین، حمل و نقل و در کل چهار عملکرد اصلی شهر یعنی سکونت، کار، تفریح و ارتباط میان آنها معطوف بود و چندان ضرورت و توجهی به ابعاد کیفی توسعه و عمران شهری احساس نمی‌شد. این نگرش به برنامه‌ریزی شهری حاصل مفروض نمودن شهر به عنوان پدیده‌ای ایستا بود. به عبارتی این نگرش به شهر به عنوان یک محصول و نه یک فرآیند که در حال تکامل دائمی است می‌نگریست. در این دوره طرح‌ها برای جوامع ایستا تصمیم‌گیری می‌کردند و از پویایی سیستم‌های شهری غافل بودند. نمود این نگرش را در شهرسازی ایران می‌توان در طرح‌های جامع و تفصیلی مشاهده نمود.

۲-۱-۲ - نگاه راهبردی: جنبش انتقادی وسیعی علیه الگوی طرح‌های جامع - تفصیلی در دهه ۱۹۶۰ به راه افتاد، بخش مهمی از این انتقادات معطوف به افول ارزش‌های کیفی و فرهنگی در شهرسازی جدید بود. مهم‌ترین نقدها به طرح‌های جامع و تفصیلی وارد شد عدم توجه این طرح‌ها به این واقعیت بود که شهرها پدیده‌هایی ایستا نیستند، بلکه پویا و در حال تحول اند. این دیدگاه راه‌حلی‌هایی را ارائه می‌داد که عمدتاً کالبدی-اقتصادی بودند و به ابعاد نیازهای انسانی، کالبدی و غیر کالبدی (Caretal, 1997) به طور کامل توجه نداشتند و از نظر منتقدین پست‌مدرنیست حرکت ضد تاریخی را نهادینه می‌نمودند. در این شرایط به منظور اصلاح روندهای جاری و یافتن راه‌های جدید برای اعتدالی محیط شهرها، تلاش‌های جدیدی هم در عرصه نظری و هم در عرصه‌های عملی شهرسازی انجام گرفت که در نهایت به تقویت و گسترش دانش طراحی شهری و ابداع روش‌های جدید برای کاربردی کردن آن منجر گردید. روش جدیدی که مورد پذیرش جوامع علمی - حرفه‌ای قرار گرفت طرح‌های ساختاری و راهبردی بود. این طرح‌ها مدعی پرداختن به اهداف و ارزش‌های کیفی محیطی هستند.

طرح‌های ساختاری در برنامه‌ریزی شهری در مقیاس شهر و پایین‌تر از آن کاربرد دارند و طی فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باید به طرح‌ها، راهبردها و سیاست‌های بالا دست خود توجه کنند. این طرح‌ها از سال ۱۹۷۰ در انگلستان به کار گرفته شدند و در سیستم برنامه‌ریزی این کشور عمدتاً در دهه ۱۹۹۰ دارای جایگاهی شهری بودند. این سیستم از

سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی گنجانده شد و در طول دهه ۱۹۸۰، ملاحظات طراحی شهری به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه‌ریزی مورد پذیرش قرار گرفت. با بهره‌گیری از جریان‌ها و نظریاتی که بر ارتباط برنامه‌ریزی و طراحی شهری تأثیر گذار بود و طی نمودن سه مرحله تحول رویکرد برنامه‌ریزی و طراحی شهری و همچنین اهداف کلان مشترک گرایش‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری که ارتقاء کیفیت زندگی در راستای توسعه پایدار و رفاه و عدالت اجتماعی - تدوین فرآیندی که نتایج اقدامات این دو گرایش را به یکدیگر نزدیک کرده و محیطی مطلوب برای زیستن فراهم آورد الزامی شد. در طول تاریخ مجتمع‌های زیستی نیز توجه به ابعاد کیفی فضای زیست مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان بوده است که در بسیاری از موارد اقدامات این دو گرایش توسط یک حرفه یا سیاست‌مدار انجام می‌پذیرفته است.

۲- نظام‌های شهرسازی

شهرسازی جدید غرب و به تدریج شهرسازی در دیگر کشورها، از تعامل دو دانش متفاوت ولی مرتبط با یکدیگر "طراحی شهری" و "برنامه‌ریزی شهری" شکل گرفته است. این دو حوزه از دانش شهرسازی در اثر کنش و واکنش متقابل، دچار تحول و تکامل زیادی شده، اما هنوز تعریف روشن و واحدی از موضوع، وظایف و نحوه ارتباط میان آن دو وجود ندارد. تحولات چند دهه گذشته، در زمینه شهرسازی مرتبط با موضوع این پژوهش شامل تکامل و تدقیق مفهوم برنامه‌ریزی و طراحی شهری از یک طرف، و افزایش نقش نظری و عملی طراحی شهری از طرف دیگر سیر کرده است. با توجه به این دو تحول مهم چگونگی تحولات و ارتباطات میان این دو گرایش شهرسازی در چارچوب الگوهای طرح‌های توسعه شهری مورد بررسی قرار می‌گیرند. سیر تحولات در نظام‌های شهرسازی، سبب شد تا بر خلاف شیوه سنتی که به برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری بر اساس یک الگوی "خطی و منفک" و با حفظ تقدم برنامه‌ریزی بر طراحی پرداخته می‌شود، امور برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر اساس یک الگوی "موازی و تعاملی" صورت پذیرد (گلکار، ۱۳۸۵). در این بخش نظام برنامه‌ریزی شهری و نظام طراحی شهری به طور جداگانه بررسی می‌گردند.

۲-۱- نظام برنامه‌ریزی شهری

نظام برنامه‌ریزی شهری در یک طبقه بندی کلان می‌تواند به نظام جامع و نظام راهبردی تقسیم بندی شود:

۲-۱-۱ - نگاه جامع: از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، بدنبال حاد شدن مسائل ناشی از توسعه صنعتی و گسترش سریع

۲-۲- نظام طراحی شهری

در مراحل تکامل تجربیات مطالعات شهری موضوعات کیفیت محیط شهر در تمام سلسله مراتب برنامه ریزی شهری نفوذ کرد، و از طرف دیگر موضوعاتی از قبیل سیاست ها و راهبردها که از ویژگی های برنامه ریزی شهری است به ادبیات طراحی شهری وارد شد و به تدریج طراحی شهری از دانشی که تنها به مسائل زیبایی شناسی و بصری توجه می کرد به دانشی فراگیر، سیاست گذار و هدایت گر در توسعه بدل شد. در این میان طراحی شهری سیاست گزار^۲ شاخه ای از طراحی شهری بود که وارد حیطه میانی برنامه ریزی و طراحی شهری شد. این شاخه، اسناد هدایت طراحی شهری را به عنوان محصول خود وارد ادبیات شهرسازی نمود. علاوه بر این نوع طراحی شهری، طراحی شهری طراحی گرا^۴ نیز وجود دارد که در حوزه خاص طراحی شهری قرار دارد و عمل طراحی را به دنبال می آورد.

طراحی شهری سیاست گزار از مقیاس کلان تا خرد نقش ایفا می کند. در مقیاس کلان در سطح شهر می تواند در سند توسعه شهر بخشی از سیاست های طراحی را تدوین کند و پس از آن برای کل شهر، سند راهبردی طراحی شهری تهیه می کند. این نوع از طراحی شهری در مقیاس محلی تاثیر خود را بر اسناد تکمیلی برنامه ریزی می گذارد. به طور کلی اسناد هدایت طراحی شهری معمولاً شامل چهار گروه متمایز می باشند. این اسناد در رابطه با مکان های خاص، موضوعات خاص، سیاست های خاص یا قلمرو کامل یک منطقه شهرداری می توانند تهیه شوند. (کوان، ۱۳۸۵)

اسناد تکمیلی برنامه ریزی که از دسته اسناد هدایت طراحی مرتبط با مکان های خاص و موضوعات خاص می باشند خود از مقیاس ناحیه تا پلاک شهری بر حسب موضعی یا موضوعی بودنشان به سه دسته تقسیم می شوند:

- چارچوب طراحی شهری^۵ که هماهنگ کننده طراحی سایت ها است و در مقیاس ناحیه مطرح می گردد.
- دستور کار^۶ که در سند بالادست لزوم تهیه آن مشخص شده و برای سایت های خاص تهیه می گردد.
- راهنمای طراحی شهری^۷ که سندی موضوع محور است و در مقیاس محلی کاربرد دارد.

۳- خاستگاه رویکرد برنامه ریزی طراحی محور

پس از بررسی تحولاتی که در دهه های اخیر در برنامه ریزی و طراحی شهری رخ داده است و همچنین تاثیر و تاثراتی که شرایط بیرونی در نزدیک شدن این دو حوزه از دانش به یکدیگر داشتند، تحقق این امر با رویکرد نوین "طراحی محور در برنامه ریزی شهری" عملی شد. این رویکرد در آستانه قرن ۲۱ مطرح

سال ۲۰۰۴ دچار تغییر و تحولاتی شد این تحولات به دلایل متعددی رخ داد که برخی از آنها عبارتند از:

- پیچیدگی برنامه ریزی، ناهماهنگی برنامه ها با هم و ناهماهنگی آنها با طرح های فرادست
- کندی سرعت تهیه طرح ها، فقدان پیش بینی پذیری شفاف، گران و طولانی بودن بروز کردن طرح ها
- شکست در درگیر کردن اجتماعات محلی
- عدم نهادینگی توجه به کیفیت محیط زیست، پارامترهای کیفی و اعمال آنها

جدول شماره ۲ اسناد نظام برنامه ریزی انگلستان در دو دهه اخیر را به صورت تطبیقی ارائه می دهد. تحول این اسناد از سال ۱۹۹۰ به ۲۰۰۴ غالباً به صورت محتوایی بوده است. در نهایت این تغییر و تحولات موجب حذف طرح های ساختاری از سیستم جدید گشت اما تفکر راهبردی و استراتژیک و همینطور توجه به اعتلای کیفیت زندگی در هر دو سیستم البته با درجات متفاوتی از اهمیت وجود دارد (جدول ۲).

نظام شهرسازی در ایران نیز در سطح کلان تا خرد دارای سلسله مراتبی است که منبعت از شرایط خاص سیاسی و اقتصادی ایران می باشد. این طرح ها در سطح ملی "برنامه های فضایی"، در سطح ملی و منطقه ای "طرح آمایش سرزمین"، در سطح مناطق کشور "طرح کالبدی ملی"، در سطح منطقه شهری "طرح های مجموعه شهری" و در سطح شهرها "طرح های ساختاری و راهبردی" را در بر می گیرند. در سطح محلات و پهنه های کوچک تر نیز "طرح های ساماندهی محلات و بافت های فرسوده، طرح های موضعی و موضعی" تهیه می گردند. لازم به توضیح است که ملاحظات طراحانه فقط در سطوح خرد محلی مورد توجه قرار می گیرند و نظام برنامه ریزی و طراحی کاملاً جدا از یکدیگر عمل می کنند.

جدول ۲- تطبیق و مقایسه نظام های برنامه ریزی بر حسب سطوح طرح ها

نظام برنامه ریزی	نظام برنامه ریزی انگلستان دهه ۱۹۹۰	نظام جدید برنامه ریزی انگلستان ۲۰۰۴
سطح ملی	مجموعه سیاست های ملی شهرسازی	مجموعه سیاست های ملی شهرسازی
سطح شهر و حوزه کلانشهری	سند برنامه توسعه منطقه ای	سند برنامه توسعه منطقه ای
سطح منطقه شهری	طرح ساختاری شهر	راهبردهای جویع محلی
		طرح توسعه یکپارچه
	طرح محلی	چارچوب توسعه محلی ^۱
	اسناد مکمل شهرسازی	اسناد مکمل شهرسازی ^۲

غیرقابل انعطاف و نه بر پیچیدگی پهنه بندی ها. این اصول و اهداف عملکردی باید علاوه بر انعطاف پذیری، با محدوده مورد مطالعه ارتباط برقرار کنند " (Forth, 2004).

در پژوهش ۱۹۹۹ گروه ضربت شهری، طرح‌هایی توانستند کیفیت محیط زندگی را ارتقا دهند که اولاً اولویت اهمیت عرصه‌های عمومی را به خوبی درک کرده بودند و ثانیاً بر بررسی شکل فضاهای عمومی و نحوه ارتباطشان با هم برای انسجام و پیوستگی واحدهای همسایگی و اجتماعات محلی تاکید ورزیدند " (Rogers, 1999). لازم به توضیح است که در فرایند برنامه ریزی شهر که توزیع استقرار جمعیت در پهنه را از طریق تراکم جمعیتی-ساختمانی سامان می‌دهد، دیدگاه کیفی به استخوانبندی شهر می‌تواند در همراهی و هماهنگی برنامه و طرح بسیار موثر باشد. در این مرحله از فرایند نظام مند کردن توسعه ابعاد کمی (برنامه ریزی) و کیفی (طراحی) مکمل یکدیگر خواهند بود، با توجه به این امر برنامه ریزی طراحی محور در مورد اهمیت تراکم، اختلاط کاربری‌ها، معماری و به طور عمده استقرار فضاهای عمومی در خلق واحدهای همسایگی موفق بحث می‌کند.

علاوه بر اصول فوق به طور کلی ویژگی‌های برنامه ریزی طراحی محور را می‌توان به صورت زیر دسته بندی کرد :

- رویکرد برنامه ریزی طراحی محور، عناصر و تصمیمات برنامه ریزی را بر پایه تصور از کیفیت و احجام سه بعدی حاصله تدوین می‌کند و ویژگی‌های کیفی مکان را نیز در نظر می‌گیرد.
- رویکرد برنامه ریزی طراحی محور تاکید کمتری بر کاربری زمین و استانداردهای مهندسی دارد. در این رویکرد مطلوبیت کیفیت و فرم از اهمیت بیشتری برخوردار است.
- رویکرد برنامه ریزی طراحی محور اهداف و معیارهای طراحی را مشخص می‌کند؛ این اهداف و معیارها باید در تهیه و تصویب طرح‌ها مدنظر قرار گرفته و قابلیت مطرح شدن در مقیاس‌های کلان را نیز داشته باشند

- رویکرد طراحی محور در برنامه ریزی شهری، شرایط و اولویت‌ها را ارزیابی می‌کند. این ارزیابی مبتنی بر توانایی قضاوت کارشناس است یعنی قبل از ساخت و ساز و توسعه،

نتایج کیفی و فضایی محدوده پیش بینی می‌گردد بدین ترتیب از اواخر دهه ۱۹۹۰ با توجه به دیدگاه کیفی محیط و براساس این دیدگاه که شهرها محل مدنیت است و باید تعاملات اجتماعی مثبت در آنها حادث شود و نباید شکل و نحوه استقرار سکونتگاه‌ها و شهرها فقط به عنوان یک سرپناه تلقی شوند به رویکرد برنامه ریزی طراحی محور با تاکید بیشتری نگریسته شد. رویکرد جدید معتقد است که سبک طراحی بناها، واحدهای همسایگی و بخش‌های متنوع شهر و عرصه‌های

شد و عمدتاً از طرف معماران و طراحان شهری به حوزه شهرسازی وارد گردید (Madanipour, 1996)

آغاز توجه به طراحی شهری در فرایند برنامه ریزی به دوره مطرح شدن کاربری مختلط در جهت توسعه شهری بازمی‌گردد. در سال ۱۹۹۲ موضوعات زیباشناختی به عنوان یکی از موضوعات اساسی در طرح‌های توسعه و فرایند برنامه ریزی آنها مطرح گردید. در سال ۱۹۹۶، دی‌ای‌تی آر^۱ طراحی شهری را به عنوان دانشی مطرح کرد که به موضوعاتی فراتر از بناهای منفرد می‌پردازد. (DETR, 2000) در سال ۱۹۹۷ کرمونا ادعا کرد در عمل هنوز میان دو حیطه برنامه ریزی و طراحی شهری فاصله وجود دارد و رویکردی میانی طلب می‌شود (Carmona, 1997). در سال ۱۹۹۹ بر ضرورت توجه به ملاحظات طراحانه در برنامه ریزی شهری تاکید شد، در این سال پژوهشی توسط گروه ضربت شهری^۲ در شهرهای بارسلونا، آلمان و هلند صورت گرفت و نشان داد طرح‌هایی که در آنها ملاحظات طراحانه وجود داشت در بهبود کیفیت شهرها موفق‌تر عمل کردند. (Rogers, 1999)

سایر ابزارهای کلیدی تاثیرگذار در آینده شهر مثل مدیریت، سیاست و ابزارهای اقتصادی به همراه طراحی قوی است که می‌توانند به طور موفق شهر را هدایت کنند. توجه به ملاحظات طراحانه در برنامه ریزی حتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نیز تاثیر گذاشت؛ چنانچه در بیانیه سیاست برنامه ریزی در انگلستان که در سطح ملی تهیه می‌شود، فصلی تحت عنوان طراحی نوشته شد و طراحی خوب را جزء جدایی‌ناپذیر از برنامه ریزی خوب خواند. در این فصل تاکید بر ارتقای کیفیت محیط کالبدی در همه طرح‌های شهری و محلی به چشم می‌خورد، بر اساس این رویکرد ملاحظات طراحانه فراتر از جنبه‌های صرفاً زیباشناسی است. همچنین این بیانیه به عنوان یک سند بالا دست مقامات محلی را ملزم به ارائه سیاست‌های انعطاف‌پذیر در طراحی و دسترسی می‌کند.

۸- ویژگی‌ها و اصول رویکرد برنامه ریزی طراحی محور

برنامه ریزی طراحی محور غالباً بر دیدگاهی یکپارچه از محیط شهری استوار است. این دیدگاه یکپارچه بر موضوع یا موضع مورد برنامه ریزی متمرکز است. می‌توان بیان نمود که برنامه ریزی طراحی محور می‌تواند ادامه دیدگاه برنامه ریزی نظام مند یکپارچه^۱ مطرح در دهه ۱۹۷۰ می باشد که توسط چادویک (Chadwick, 1971) نظریه پردازی شد. رویکرد طراحی محور در برنامه ریزی شهری، " بر اصول و اهداف عملکردی استوار است، نه ضوابط و مقررات و استانداردهای صلب و

با کاربری های مختلط در واحدهای همسایگی یکپارچه ایجاد می شود. این ویژگی ها را می توان در سکونتگاه ها توسعه داد یا برنامه ریزی کرد. این رویکرد به مسئله تراکم و اختلاط کاربری ها در توسعه نگاهی کیفی دارد.

نتیجه گیری

بالا ترین سطح این پروژه ها، مجموعه سیاست های طراحی شهری است که توجه زیادی به مسائل کالبدی و کیفی دارد و رویکرد برنامه ریزی طراحی محور جنبه سیاستی آن را تقویت می نماید. همچنین پس از آن برنامه راهبردی طراحی شهری است که باز هم راهبرد ها و سیاست های آن پر رنگ تر شده و جنبه هدایت گرانه بیشتری می یابد. در نهایت اسناد تکمیلی طراحی شهری، اسنادی هستند که با توجه به کیفیت محیط شهری، به طور هدایت گرانه عمل می کنند. نوع این اسناد به گونه ای است که در نظام طراحی شهری ایران نیز قابل تهیه می باشند. این اسناد برای مقیاس های محلی می توانند پاسخگوی طرح های موضعی و موضوعی در غالب نظام برنامه ریزی راهبردی ایران باشند.

در نظام برنامه ریزی شهری در ایران چه در طرح های منطقه ای و چه در طرح های توسعه شهری (طرح های جامع- هادی و حتی طرح های ساختاری - راهبردی و همچنین طرح های تفصیلی) ابعاد کیفی محیط شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته شده است. با توجه به این مسئله رسوخ مباحث کیفی در مقیاس های کلان در کشور ما نیز لازم و ضروری است. این توجهات با ورود رویکرد برنامه ریزی طراحی محور به ادبیات شهرسازی ایران قابل دسترسی است. چه همان طور که در نظام برنامه ریزی راهبردی انگلستان قابل رویت است این تاثیر از سطح کلان تا خرد پر رنگ تر می شود. طبیعی است در صورت توجه به مباحث کیفی در نظام برنامه ریزی ایران، این توجه در مقیاس ملی (طرح آمایش سرزمین) اندک و در مقیاس منطقه ای (طرح ساختاری شهرستان) بیشتر خواهد بود و با ورود به سطح شهری (طرح ساختاری شهر) - بافت های کهن و بافت های کهن و بافت های فرسوده شهری و طرح های محلی (طرح های موضعی و موضوعی) نسبت بالایی را به خود اختصاص خواهد داد.

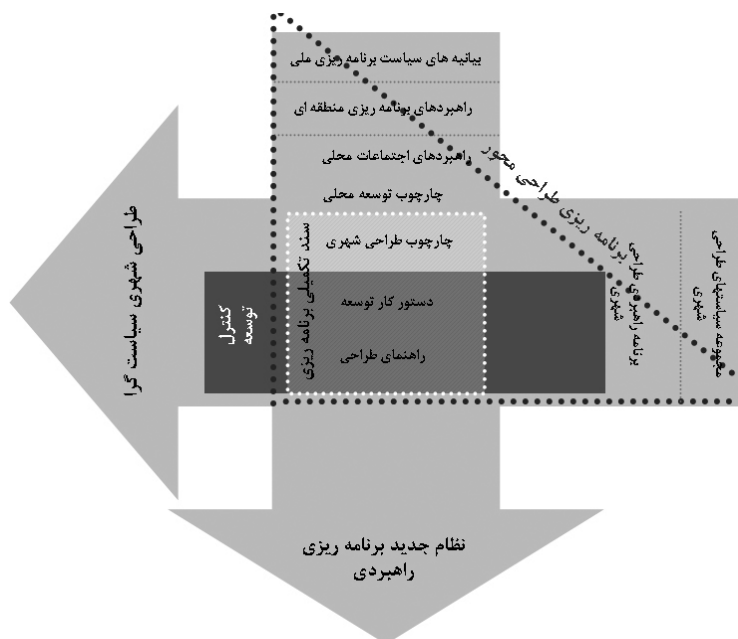
با توجه به لزوم بهره گیری از مباحث کیفیت محیط در فرآیند تهیه طرح های شهری در تمامی مقیاس ها در ایران لازم است در تدوین شرح خدمات طرح های توسعه شهری، فرایند برنامه ریزی طراحی محور مورد توجه ویژه قرار گیرد. به طوری که در تمامی مراحل تهیه طرح ها معیارهای کیفیت محیط مورد توجه قرار گیرد حتی پس از تصویب آنها معیارهای کیفی محیطی به عنوان شاخص هایی امکان باز خورد در فرایند را امکان پذیر سازد. در نهایت تهیه اسناد تکمیلی برنامه ریزی به طور عام و طراحی شهری به طور خاص برای تمامی سطوح برنامه ریزی کشور توصیه می شود.

عمومی تاثیر مستقیمی بر تجربه محیط شهری دارد. اگر برنامه ریزی صرفا یک برنامه ریزی بلوپرینتی نباشد، آن گاه می توان مجموعه ای از اصول طراحی را برای توسعه ای موفق تدوین نمود. با اعمال این اصول، شهری با بافت منسجم و فشرده

به طور کلی رویکرد برنامه ریزی طراحی محور رویکردی است حاصل از ورود مباحث کیفی در اسناد برنامه ریزی راهبردی و ورود مباحث کنترل و هدایت توسعه در اسناد طراحی شهری سیاست گزار. در محل تلاقی فرایند برنامه ریزی راهبردی و طراحی شهری سیاست گزار اسناد تکمیلی طرح های توسعه شهری پدید می آیند که خود شامل اسنادی چون چارچوب طراحی شهری، دستورکار توسعه و راهنمای طراحی می باشند (نمودار شماره ۱). با توجه به نقش و ویژگی ها، رویکرد برنامه ریزی طراحی محور باید به عنوان رویکردی عام در تمام مراحل نظام برنامه ریزی و طراحی شهری حضور داشته باشد. همانگونه که در نمودار شماره ۱ مشهود است حوزه عملیاتی برنامه ریزی طراحی محور به صورت یک مثلث بر نظام برنامه ریزی راهبردی و طراحی شهری سیاست گزار تاثیر گذار است. در نظام برنامه ریزی تاثیر این رویکرد از مقیاس کلان تا خرد متفاوت است و هرچه به مقیاس محلی نزدیک تر می شویم قدرت و تاثیر این رویکرد بیشتر و پر رنگ تر احساس می شود. در بررسی تطبیقی نظام برنامه ریزی شهری ایران مشابتهایی از نظر سلسله مراتب طرح ها با نظام برنامه ریزی انگلستان وجود دارد. یکی از این مسائل عدم توجه یا توجه کم به مباحث کیفی در پروژه های برنامه ریزی می باشد. به طور خاص این اغماض در سطوح کلان بیشتر دیده می شود. در کشور انگلستان از طریق اتخاذ تمهیداتی این ضعف تا اندازه ای حل شده است. در نظام برنامه ریزی انگلستان در سطح ملی، مجموعه سیاست های ملی شهرسازی تهیه می گردد که هم سطح برنامه ریزی فضایی در سطح ملی و منطقه ای در کشورمان می باشد. در این سطح از برنامه ریزی در کشور غالباً ملاحظات جمعیتی و اقتصادی وجه غالب طرح می باشد. این در حالی است که مجموعه سیاست های ملی شهرسازی در انگلستان راهی ضروری برای دستیابی به اهداف خانه سازی، حمل و نقل، نوسازی شهری و حاشیه ها و طیفی از سایر سیاست ها است و در کنار این سیاست ها فصلی را به طراحی شهری و توجه به ملاحظات کیفی محیط اختصاص داده است. فصل طراحی شهری در بیانیه های سیاسی برنامه ریزی انگلستان هرچند سهم کوچکی از سیاست ها در مقیاس ملی را به خود اختصاص داده است اما از این جهت که مباحث کیفی را وارد مقیاس کلان برنامه ریزی کرده است حائز اهمیت است.

در انگلستان علاوه بر نظام برنامه ریزی شهری، برای پروژه های طراحی شهری نیز سلسله مراتبی از طرح ها تعریف شده است.

نمودار ۱: ارتباط نظام‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری و رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور



مأخذ: رضوی، ۱۳۸۵

پی‌نوشت‌ها:

۱ در نظام پیشین برنامه‌ریزی انگلستان برای مناطق کلانشهری "طرح توسعه یکپارچه" و برای سایر شهرها "طرح توسعه" تهیه می‌گردید که اینک بر اساس قانون سال ۲۰۰۴، برای همگی به طور یکسان سند خوشه‌ای "چارچوب توسعه محلی" تهیه می‌گردد.

۲ این‌گونه اسناد تکمیل‌کننده سند اصلی یا "برنامه رسمی توسعه شهر" بوده و راهنمایی‌های لازم در جهت تفسیر، تفصیلی کردن و به اجرا در آوردن سیاست‌های مندرج در برنامه رسمی توسعه را در مورد ناحیه خاص و موضوعات ویژه فراهم می‌آورند.

۳ Policy Oriented Urban Design

۴ Design Oriented Urban Design

۵ Urban Design Framework

۶ Development Brief

۷ Design Guides

۸ Department of Environment, Transport and Regions (DETR)

۹ Urban Task Force

۱۰ System View of Planning

فهرست منابع:

استروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۱)، شهرسازی معاصر، ترجمه لادن اعتضادی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
رضوی، حامده (۱۳۸۵)، استفاده از ابزارهای برنامه‌ریزی طراحی محور در ارتقا کیفیت عملکردی فضاهای عمومی، رساله کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه علم و صنعت ایران.

کوان، رابرت (۱۳۸۵)، اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار، سولماز حسینیون، انتشارات اسلیمی، تهران.

گلکار، کوروش (۱۳۸۵)، جعبه‌ابزار طراحی شهری، نشریه بن، شماره ۵۰-۵۱.

گلکار، کوروش (۱۳۸۱)، طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز، تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری، نگرشی به فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.

- Byers, S, *Delivering a Fundamental Change*. Office of the Deputy Prime Minister, London, visited in 2005/12/10 ,www.odpm.gov.uk .
- Carmona, M(1997), *The Design dimension of Planning*, E & FN SPON , An imprint of Chapman & Hall .
- Chadwick,G.F(1971), *A System View of Planning*, Pergamon Press, Oxford.
- Culling, W,B (1997), *Town and Country Planning in UK*, Routledge, London.
- DETR (2000), *By Design,Urban design in planning system: towards better practice*, Commission for Architecture & Built Environment, London.
- Echenique, M, etal (2001), *Cities for the new Millennium*, Spon Press, London.
- Forth, L(2004), *Building a Liveable Downtown, The Downtown Master Plan*, www.ci.ftlaud.fl.us.
- Greed. C; Roberts, M(1997), *Introducing Urban Design: interventions and responses*, Longman, London.
- Madanipour, A (1996), *Design of Urban Space : an inquiry into a socio - spatial process*, John Wiley & Sons.
- Moughtin, C (1999), *Urban Design, street and square*, Architectural Press,
- Rogers,L (1999), *Towards an Urban Renaissance*, Urban Task Force, Department of Environment, Transportation and the Regions, London.
- Steuteville, R (2004), *The New Urbanism: An alternative to modern, automobile-oriented planning and development*, New Urban News, New York.
- Thomas, R (2003), *Sustainable Urban Design*, Spon Press, London.
- Tibbalds F (1992), *Making people--Friendly Towns*, Spon Press, London.